



خبرنامه



۳۱ خرداد، یادآور جانفشانیها و فداکاریهای هزاران انسان مبارز و انقلابی است که طی سالها مبارزه و مقاومت در جنبش انقلابی خلق کرد بر ضد ارتجاع حاکم ایستادگی نموده و به بخشی از تاریخ پر از سروری کومه له تبدیل شدند.

۱۵۸-۱۵۹

شماره:

۳۱ خرداد ماه ۱۳۸۳

www.komala.org

کومه له سازمان انقلابی رزمنکشان کردستان ایران

اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له

گرامی باد

روز پیشمرگ کومه له

بیش از دو دهه است که سی و یک خرداد روز جانباختن رفیق سعید معینی، اولین پیشمرگ کومه له، از جانب کمیته مرکزی کومه له سازمان انقلابی رزمنکشان کردستان ایران به عنوان روز پیشمرگ کومه له نامگذاری شده است. هرساله نه تنها نیروی پیشمرگ کومه له، بلکه مردم کردستان در شهر و روستا و تبعیدیهای کرد در کشورهای محل اقامتشان، روز پیشمرگ کومه له را با شکوه خاصی برگزار می نمایند.

دو کلمه پیشمرگ و کومه له بدون شک مجموعه ای خصوصیات و سجایای والا را در ذهن همگان متبادر می کند و تصویر جنگجویانی پرشور، فلکلو، صمیمی، فروتن، با تاکتیک، جسور و رزمنده در فکریک نسل از مردم کردستان آنچنان نقش بسته و زنده است که در هر مجلس و محفلی که نامی از پیشمرگ کومه له بر زبان آید این تصاویر همراه با خاطرات تلخ و شیرین آنچنان فضای هر جمعی را تحت تاثیر قرار می دهد که موجی از حس احترام و تحسین، وجود و درون همه حاضرین را فرا می گیرد.

البته این توصیفات بیانگر بارزترین خصوصیات یک نیروی نظامی و هر جنگجویی با آرمان انسانی است، اما این تصاویر تنها یک بعد از شخصیت و هویت پیشمرگ کومه له را نشان می دهد و به جرات می توان گفت این بعد از هویت پیشمرگ کومه له تابع آن بعد دیگر از وجه پیشمرگان کومه له، تابع شخصیت سیاسی و مردمی این نیرو بوده و هست... «۲»

پیام تسلیت کمیته مرکزی کومه له به خانواده عزیز جانباخته

شب بوی ایلخانیزاده

ساعت ۵/۳۰ نهاد و زندگی را بدرود دقیقه بامداد روز چهارشنبه نهم ژوئن ماه جای، در بیمارستان شهر موصل عراق و در حالیکه آخرین تلاشهای تیم پزشکی این بیمارستان برای نجات جان وی بی نتیجه مانده بود، شب بوی عزیز، دختر رفقا عمر ایلخانیزاده و جمیله رحیمی پس از ساعتها مقاومت و دست و پنجه نرم کردن با مرگ، چشمهایش را برای همیشه برهم

گفت. ساعت ۲ بامداد روز قبل اتومبیل حامل شب بوی آکنده از عشق به زندگی و سرشار از شادی و تعدادی دیگر از رفقای کومه له به هنگام بازگشت به کردستان در نزدیکی شهر زاخو در کردستان عراق دچار سانحه تصادف می شود. در این حادثه شب بوی به شدت مجروح می شود و به رغم تلاشهای بسیار و

انتقال وی به بیمارستان زاخو و سپس موصل و انجام دوبار عمل جراحی، متأسفانه جانش را از دست می دهد. شب بوی ایلخانیزاده دختر رفقا عمر ایلخانیزاده و جمیله رحیمی بود، در تابستان سال ۶۱ خورشیدی مصادف با ۸۲ میلادی در بیمارستان کومه له واقع در روستای "علم آباد" از توابع شهر بوکان به همراه خواهر دوقلویش ... «۲»

تشکر و قدردانی

در این مدت که شب بوی عزیزمان در اثر حادثه دلخراش تصادف اتومبیل جانباخت، بسیاری از رفقا، دوستان و آشنایان از طرق مختلف با ما همدردی نموده و دلسوزانه در این غم ما را همراهی نموده اند. ما از صمیم قلب از همه آنان تشکر می کنیم و هیچگاه این محبت را فراموش نخواهیم کرد. به دلیل حجم زیاد نامه و فکس و

تلفن و ... در این شرایط نتوانستیم مستقیماً همه این محبت ها را جوابگو باشیم، اما در آینده قطعاً این محبت ها را در حد توان پاسخ خواهیم گفت. بویژه از محبت همسنگران قدیمی و همه آنانی که خاطره و یادگاری از شب بوی دارند سپاسگزاریم و عمیقاً معتقدیم که این غم به تنهایی متعلق به ما نیست بلکه درد مشترک همه ماست.

جمیله رحیمی، عمر ایلخانیزاده و اسرین ایلخانیزاده

اعتصاب کارگران خبازی های سنندج

بنا به اخبار منتشره در رسانه ها، کارگران خبازی های سنندج در اعتراض به دستمزدها، نامرغوب بودن آرد و سه شیفته کردن کار خبازی ها، روز دوشنبه ۲۵ خرداد دست به اعتصاب زدند. کارگران در سه ماه گذشته که با بی اعتنایی مسئولین مینی برسیدگی به مشکلاتشان توسط مسئولین ذیربط مواجه شده اند، علی رغم بنا به اخبار منتشره در رسانه ها، کارگران خبازی های سنندج در اعتراض به دستمزدها، نامرغوب بودن آرد و سه شیفته کردن کار خبازی ها، روز دوشنبه ۲۵ خرداد دست به اعتصاب زدند. کارگران در سه ماه گذشته که با بی اعتنایی مسئولین مینی برسیدگی به مشکلاتشان توسط مسئولین ذیربط مواجه شده اند، علی رغم

پیام آور ارتجاع

ایران

صفحه ۳

کشته شدن یکی از

مزدوران محلی

مریوان

صفحه ۴

حداد عادل

و مجلس هفتم

صفحه ۷



در گذشت نا به هنگام

"شب بوی ایلخانیزاده"

با کمال تأثر و تأسف، ساعت ۲ بامداد روز سه شنبه نوزدهم خردادماه جاری، شب بوی ایلخانیزاده فرزند گرامی رفقای همرزمان عمر ایلخانیزاده و جمیله رحیمی، در حین بازگشت به کردستان به اتفاق چند تن دیگر از همراهانش که از رفقای کومه له می باشند در نزدیکی شهر زاخو بر اثر سانحه تصادف اتومبیل مصدوم می شوند، متأسفانه شب بوی بر اثر شدت جراحات و علیرغم تلاش بسیار و رساندن وی به بیمارستان زاخو و سپس بیمارستان موصل و انجام دو مرحله عمل جراحی، ساعت پنج و نیم بامداد روز چهارشنبه بیستم خرداد ماه جانش را از دست داد.

شب بوی ایلخانیزاده که ۲۱ سال سن داشت، تابستان سال ۶۱ خورشیدی برابر با ۱۹۸۲ میلادی در بیمارستان کومه له در روستای علم آبان شهر بوکان همراه با ... «۴»

پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد

ادامه گرامی باد روز ...

این وجه از پیشمرگ کومه‌له است که می‌تواند معرف واقعی این نیروی رزمنده و انقلابی باشد. نیروی پیشمرگ کومه‌له هیچگاه نیرویی با آرایش و ساختار و اهداف صرفاً نظامی نبوده، بلکه مروجین و مبلغین سیاسی، کادرهای توده‌ای، نویسندگان و فکر سازان کومه‌له نیز بخشی از این نیرو و در واقع بخش تغذیه کننده و آموزش دهنده پیشمرگان کومه‌له بودند. ارتباط عمیق با زندگی توده‌های ستمدیده و استثمار شده کردستان، مبارزه برای برقراری عدالت اجتماعی و دفاع از کارگران و دهقانان زحمتکش، دفاع روشن و پیگیر از حقوق و خواسته‌های ملی خلق کرد، دفاع از زنان و برابری حقوق زن و مرد، دفاع از حقوق انسانی آحاد مردم کردستان، ترویج سوسیالیسم و آرمانهای انسان دوستانه، دفاع از دموکراسی و وسیعترین آزادیهای سیاسی، این‌ها نه فقط جزو اصول اعتقادی نیروی پیشمرگ کومه‌له بلکه بخشی از تاریخ و عملکرد قابل رویت این نیرو را تشکیل می‌دهد که با تاریخ و مبارزه یک ملت عجین شده و در کوره مبارزات مردمی و پیوند متقابل مابین

کومه‌له و مردم کردستان، اکنون دیگر به سنت‌های اجتماعی عینی و سیاسی زنده و غیر قابل حذفی در این جامعه تبدیل شده‌اند. داستانهای حماسی فراوانی در میان مردم کردستان هنوز ورد زبانهاست که چگونه پیشمرگان کومه‌له به خاطر حفظ جان مردم و کودکان، بارها از یک موقعیت برتر نظامی چشم پوشیده و به همین خاطر قربانی داده‌اند. هبستگی عمیق در صفوف کومه‌له و طی نبردها را همگان دیده و یا شنیده‌اند. این نیرو در زندگی شخصی و در محیط خانواده و دوستان و اطرافیان هم آنچنان معیار ورزش‌های جدیدی آفرید و آنچنان به سرمشق آرمان‌های والا تبدیل شد که پدران و مادران، فرزندان و بستگان و دوستان خود را نیز خارج از صفوف حزبی و تشکیلاتی تحت تاثیر قرار داد که اکنون نیز به عنوان خانواده‌های کومه‌له و مادران پیشمرگ کومه‌له نمونه بارز "همبستگی" و "وفا" یازند دوست و دشمن هستند. چه کسی است که نداند آن کسانی هم که روزی روزگاری دورانی از زندگی خود را در میان پیشمرگان کومه‌له به سر برده‌اند، علی رغم سال‌های دوری از

این صفوف و از این مبارزه، اما اکثریت قریب به اتفاق آنها به این معیارها وفادار مانده و عموماً احترام و اعتماد مردم را به خود جلب کرده‌اند. عشق و علاقه و پیوند عاطفی و سیاسی مابین این انسان‌ها علی‌رغم موقعیت سیاسی و تشکیلاتی کنونی‌شان، همه و همه بیانگر وجود افتخارات مشترک در یک دوره مبارزه در درون کومه‌له است که حتی مخالفان سیاسی کومه‌له نیز نمی‌توانند ستایش و تحسین خود را در قبال این روحیات پنهان نمایند. در این شرایط که ما بلرذگر روز پیشمرگ کومه‌له را گرامی می‌طیم و جامعه کردستان در تب و تاب یک مبارزه و شور و شوق سیاسی غرق شده است و امید به کومه‌له و سیاست‌هایش در دلها موج می‌زند حفظ و نگهداری و تقویت آن خصوصیات سیاسی، انسانی و آزادیخواهانه و عدالت جویانه پیشمرگان کومه‌له یکی از وظایف حتمی ماست. حفظ این ویژگی‌ها و این آرمان‌های ضد استثمار و انسانی بدون شک تنها منبع بازتولید و تکثیر روحیات رزمنده، فداکارانه و تسلیم ناپذیری است که در میان‌های نبرد به‌وفور توسط پیشمرگان

کومه‌له به نمایش در آمده‌اند. روز پیشمرگ کومه‌له به حق روز تجدید پیمان برای رهایی مردم کردستان، روز تازه کردن عهد بر علیه استثمار انسان از انسان و روز تعهد به آزادی و دموکراسی و عدالت اقتصادی و اجتماعی است. نسل جوان کنونی با احترام زاید الوصفی شیفته این خصوصیات پاک و انسانی است و بی تردید این نسل بهترین منبع و نیروی ارتقای این فرهنگ سیاسی نیز هست. آنان نیروی آتی تغییر و سازندگان فردا، همبستگی در صفوف کومه‌له و پر رنگ نمودن ارزشهای عظیم انسانی در صفوف حزب ما، تنها راه سپردن امانت‌دارانه این پرچم به دستان مشتاق نسل آتی است. ضروری است بار دیگر یاد همه‌ی آن عزیزانی را گرامی داریم که در جنبش انقلابی مردم کردستان و برای رهایی انسان از بندگی و استثمار جانشان را فنا نموده‌اند. راه و آرمانشان در صفوف رزمنده کومه‌له برای همیشه زنده و جاوید و پر رهرو خواهد بود.

گرامی باد روز پیشمرگ کومه‌له

کمیته مرکزی کومه‌له - سازمان انقلابی
زحمتکش کردستان ایران
۲۱ خرداد ۱۳۸۲، ۲۰ ژوئن ۲۰۰۲

ادامه پیام تسلیت کمیته مرکزی ...

اسرین متولد شدند. دشواریهای زندگی پیشمرگی و فراز و نشیبهای زندگی چنان کرد تا آن دوخواهر در سن ۷ ماهگی از هم جدا شده و به مدت ۹ سال یکدیگر را نبینند. اسرین راروانه ایران کردند و شب بو نزد پدر و ملائش در اردوگاه‌ها و مقرهای کومه‌له باقی ماند. شب بوی کوچک دو بار در جریان شدیدترین مبارزاتهای اردوگاههای کومه‌له از مرگ نجات یافت، اما متأسفانه سرنوشت چنین بود که در سن بیست و یک سالگی و در حالیکه به تازگی از دانشگاه "کیت" انگلستان فارغ التحصیل شده و در حال بلزگشت نزد پدر و مادرش در کردستان بود، در آن حادثه دلخراش، بعلت خونریزی شدید داخلی جانش را از دست بدهد.

هنگامیکه در سردخانه بیمارستان سلیمانیه برای آخرین وداع پرده از چهره وی کنار کشیدند، شب بو زیبا با چهره‌ای آرام که اثری از تصادف و جراحات ناشی از آن در او هویدا نبود به خوب ابدی فرورفته بود. شب بو دختری بشاش، خنده رو، زیرک، مستقل، رادیکال، صریح و حق طلب بود. خلاصه اینکه تمامی خصوصیات آینده‌نگار و روشن و موفق در وی مشاهده می‌شد اما متأسفانه مرگ ناهنگام فرصت شکوفایی به آن همه استعداد و توانائی و استفاده از آن را نداد. شب بو همچون بسیاری از هم نسلان خویش یل‌گذر دوره ویژه‌ای از زندگی دشوار و آکنده از تجربه تلاشگران صفوف کومه‌له است. شب بو سمبلی از نسل تازه به دوران رسیده‌ای از دختران و پسرانی است که از پدران و مادران فعال در عرصه جنبش انقلابی و

بستگانش بلکه بنا به درک و انتخاب خویش به فعالیت در صفوف کومه‌له گرایش یابد، اما متأسفانه حادثه مرگ ناهنگام فرصت و مجال گل نهادن در این راه را به او نداد. نباید از یاد برد که طی آن سالهای سخت و دشوار بخش اعظمی از سرپرستی و پرورش شب بو بر عهده مادر بزرگ مهربان و دلسوز وی بود. ملیحه خانم مادر رفیق جمیله تمامی احساس و توانائی مادرانه خویش را در لایه تربیت و آموزش آن نوه هوشیار و خوش سخن به کار گرفت و شب بو نیز تمامی محبت و عشق پیرغ خویش را نثار مادر بزرگش کرد، بطوریکه در چند سال گذشته مناسبات مادر بزرگ و نوه بیشتر همچون دو رفیق و همدم بود. ما صمیمانه‌ترین تسلیت‌های ویژه خویش را نثار آن مادر گرامیمان می‌کنیم. در خاتمه مراتب تشکر و قدردانی خویش را نثار تمامی رفقای دیرین، دوستان، دلسوزان، تمامی احزاب و شخصیت‌های سیاسی و کلیه عزیزانی می‌کنیم که از صمیم قلب در این لحظه دلخراش همدردی خویش را با ما ابراز داشتند و به هر شیوه ممکن برایمان زحمت کشیدند و با شرکت در مراسم‌ها و دیدار خصوصی و ارسال نامه و پیام با ما ابراز همدردی نمودند با ما بودند و از غم و اندوهمان کاستند. امیدواریم که آنان به چنین مصیبت و غم و اندوهی دچار نشوند.

باد و خاطره شب بو همیشه در طلهیمان زنده خواهد ماند
کمیته مرکزی کومه‌له - سازمان انقلابی زحمتکش
کردستان ایران ۲۲ خرداد ماه ۸۲

کومه‌له به دنیا آمده و اوان کودکی خویش را در میان گل و لای و بردوش پیشمرگان و در میان چادرها و منازل ساده و بدون امکانات و در زیر شدیدترین تهاجمات و بمبارانها و در همان حال در میان دنیای مملو از راستگویی و عشق و محبت بدون ریا و همبستگی رفیقانه سپری کردند. آری شب بو بخشی است از خاطرات مشترکمان. همه ما حتی پس از آنکه برخی از یکدیگر نیز جدا افتاده‌ایم، به حق خویش را صاحب اصلی آن دوره و خاطراتش می‌دانیم، به همین دلیل نیز مرگ ناهنگامی که به همان وسعت موجب غم مشترکمان می‌شود، به دور یکدیگر گردمان می‌آورد و این چنین اشک حسرت و ماتم بر چشم‌هایمان جاری می‌سازد. ما به مناسبت مرگ دلخراش این فرزند دلبندهمان، صمیمانه مراتب تسلیت خویش را نثار رفقا جمیله رحیمی و عمر ایلیخانیزاده و خواهرش اسرین و عموم بستگان گرامی والدین شب بو می‌نمائیم و برای آنان آرزوی تندرستی و طول عمر مفید داریم. همچنین اندوه و همدردی خویش را به عموم دوستان شب بو و نسل جدید و تازه به دوران رسیده دختران و پسران کومه‌له و تمامی جوانان کردستان ابراز می‌داریم و آینده‌نگار روشن و موفق را برایشان آرزو مندیم. قابل ذکر است که ذهن هوشیار و متکرو تجدد طلب شب بو در یکی دو سال گذشته وی را بسوی سیاست و مبارزه رهایی طلبانه و عدالت خواهانه سوق داده بود و مشغول مطالعه و تحقیق و بررسی بود و بسیار احتمال می‌رفت که او نه فقط به دلیل پیشینه انقلابی و مبارزاتی والدین و

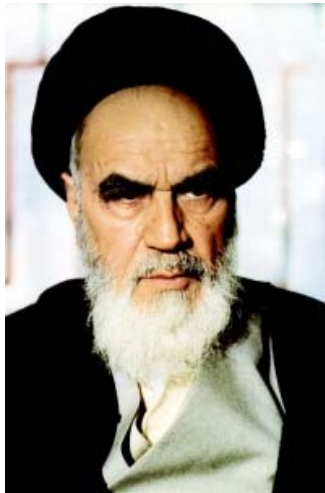
نشینان و کوخ نشینان" را آنطور که خود وعده داده بود(البته با قرائتی اخلاقی از خلق و خوی افراد و نه یک رویکرد طبقاتی) از بین ببرد بلکه این فاصله از هزمنان دیگری در تاریخ معاصر بیشتر شد. در عین حال رژیم متحمل شکستی مفتضحانه در جنگ نیز شد و خمینی جام زهر را هم به دنبال بلا کشید. ارتجاع مذهبی بال سیاه خود را بر تمام زوایای جامعه و زندگی مردم کشانده بود که برای بار دیگر در شهریور شصت و هفت تحت امر خمینی جلا داد. هزاران زندانی بیگناه حتی آنان که در حال اتمام حکم خود بودند به جوخه‌های مرگ سپرده شدند و بدینگونه یکی از بزرگترین قتل‌عام‌های سیاسی تاریخ معاصر ایران به وقوع پیوست. زمان زیادی از ارتکاب این جنایات نگذشت که خمینی در تاریخ سیزده خرداد شصت و هشت برای همیشه وجود پلید و خونخوارش از صحنه هستی محو گردید. امروز و پانزده سال بعد از مرگ خمینی در حالیکه رژیم مذهبی ایران در این روزها سالگرد مرگ امام راحلشان را برپا داشتند می‌بینیم که تمامی افکار، ایدئولوژی و شعارهای خمینی بعد از گذشت بیست و پنج سال از حاکمیت سیستم آخوندی، شکست خورده و مدل اسلام سیاسی دچار بن بست تاریخی شده است. میراث داران وی نیز هیچکدام پایبند میانی و مکتب خمینی، این پیام آور ارتجاع ایران نمانده‌اند و نزاع بر سر کرسیهای قدرت در درون نظام کماکان بازاری جداگانه برای خود برپا نموده‌است. فقر و فلاکت و بدبختی و خفقان سیاسی گریبانگیر سراسر جامعه ایران گشته است.

بدون شک خمینی به عنوان یکی از چهره‌های تاثیرگذار در تاریخ معاصر ایران شناخته شده که جامعه و زندگی میلیونها انسان را به قهقرا و تباهی کشاند و فواین قرون وسطایی مذهبی ضد بشری را در ایران به اجرا درآورد، چهره‌ای کریم و منفور که نام بردنش تلعلی کننده، جنایت، ارتجاع و ددمنشی، فرهنگ عزا، ماتم و مرده پرستی برای جهانیان می‌باشد.

شرایط از همان آغاز در جهتی به پیش می‌رفت که کم‌کم چهره واقعی خمینی و جمهوری تازه بنیاد نهاده‌اش را برملا سازد، اما درگیر کردن مردم ایران به جنگی تمام عیار با عراق تحت حاکمیت صدام، فرصت هرگونه تامل و بلزینی وضع موجود را از مردم و جوانان سلب

گذراندن به امری بدیهی و مرسوم مبدل گشت. حلول روح خدا و دمیدن آن در کالبد جامعه فرتوت و استبداد زده ایرانی که هنوز نفسی راحت از تجربیات تلخ دیکتاتورهای گذشته برنیاورده و کمر راست نکرده بود، منجر به پرداخت هزینه‌های سنگینی شد.

پیام آور ارتجاع ایران



س. پارسا

خمینی هر چند زربار گفتمان مسلط آن دوره نیروهای چپ‌ب‌به ادای "عدالت اجتماعی" اسلامی می‌گشود و بر ضد امپریالیسم جهانی شعار سر می‌داد و به سرعت خود را تنها رهبر مستضعفان جهان معرفی می‌کرد، اما از همان ابتدا اقتصاد را "مال‌خر" پنداشت و عزم خود را در اجرای پروژه‌های سفیانه‌اش جزم نمود. مخالفین سیاسی نظام مبتنی بر ولایت فقیه‌اش را با درنده خویی تمام عیار یکی پس از دیگری در همه نقاط ایران و همچنین در کردستان روانه چوبست اعدام و جوخه‌های تیرباران کرد. چپ‌ها و مارکسیست‌ها از همه بیشتر هدف صدور احکام بیرحمانه و ددمنشانه خمینی قرار گرفتند و موج موج در سیاهچال‌های رژیم اعدام گردیدند.

به فرمان پیر جماران دسته دسته جوانان پرشور ایران به مثابه نسلی انقلابی و کم تجربه روانه میدان‌های جنگ شدند. بانای الله و اکبر، خمینی رهبر و با در دست داشتن کلید بهشت، هزاران جوان ایرانی به میدانهای مین و جنگی طاقت فرسا گام نهادند، گام نهادنی بی بازگشت. افکار عمومی ایران به شدت به سوی جنگ منحرف شده و وضع داخلی برای چندین سال از مرکز ثقل تفکر عمومی خارج گشت و دفاع از میهن اسلامی جایگزین آن شد. قربانی شدن هزاران جوان ایرانی در جنگ ایران و عراق، سرپوش تمام جنایات و سرکوبهای داخلی نظیر قتل عام خونین سی خرداد شصت گردید. آری آنچه که با فرمان خمینی در تمام طول سالهای این جنگ فرسایشی تکرار می‌شد، شعار "جنگ جنگ تا پیروزی و رفع فتنه در عالم" بود، شعاری که نتیجه‌اش از بین رفتن صدها هزار جوان بیگناه ایرانی بود و بس.

رهبر و ناجی مستضعفین جهان، خمینی بت شکن نه تنها توانسته بود که فاصله بین "کاخ

زنان و دختران رنج‌دیده ایران به فرمان خمینی از همان اوان انقلاب در چهارچوب شریعت مذهبی و ارتجاعی ۱۵۰۰ سال پیش قالب زده شدند و بیرحمانه به کنج‌خانه‌ها و تحت لوای پوشش کامل اسلامی پس رانده شدند. نیت که به جوانان دانشجو و دانشگاهها رسید، پاسداران جان برکف املر با اجرای دستور "بشکنید این قلمها را" که از اولین بیانات خمینی بود، تحت نام "انقلاب فرهنگی" به تصفیه خونین دانشگاهها و تعطیل بسیاری از آنان پرداختند و تفکیک دختران و پسران دانشجو چون امری شرعی در دانشگاهها واجب شد و تصفیه‌های صورت گرفته توسط حزب الهی‌های تندرو به اخراج اکثریت جوانان دانشجو انجامید.

نام "خمینی" سرلوحه و مرجع تمامی واپسگرایان و کهنه‌پرستان اسلامی به شمار می‌آید. کسی که در کمتر از یک دهه، گوی سبقت را از تمامی روحانیون مرتجع در عرصه سیاسی و مذهبی جامعه ربود و برای اولین بار "اسلام ناب محمدی" را در ساختار قدرت سیاسی ایران بطور کامل نهادینه نمود.

"روح الله خمینی" همزمان با مخالفت‌های نیروهای سیاسی موجود بر ضد دیکتاتوری پهلوی در دهه سی و چهل شمسی، تحریکات سیاسی خود را در میان مذهبیون افراط گرای شیعه آغاز نمود. بعد از تبعید چندین ساله خارج از ایران، در انقلاب ۵۷ با استفاده از ضعف نیروهای سیاسی بویژه نیروهای چپ و دموکرات و همچنین استفاده تبلیغاتی از رسانه‌های فرسی زبان خارجی مانند بی.بی.سی، توانست بر موج انقلاب سوار شده و یکه تاز میدان قدرت سیاسی گردد. انقلابی که مردم به جان آمده ایران هرگز به نیت جایگزینی ارتجاع مذهبی آنرا به انجام نرساندند. اما متوهم شدن به شخصیت خمینی و آلترناتیو مبهم جمهوری اسلامی در بطن رویدادهای سیاسی انقلاب، با سرعت و شتابی باورنکردنی قدرت را در دست همپالگان خمینی قبضه نمود و وی به تنها چهره صحنه سیاسی جامعه و به کاربزمای آن مقطع مبدل و بر اریکه قدرت لمید.

خمینی به عنوان یکی از بنیان گذاران و مجریان اصل "ولایت فقیه" در ساختار قدرت ایران با بدست گرفتن اقتدار حکومتی، سردمدار اسلام سیاسی در دریای پرتلاطم رویدادهای مختلف جامعه ایران گردید. قرائتی از اسلام که برای تمامی زوایای مختلف زندگی شخصی و اجتماعی مردم نسخه پیچی نموده و شریعت اسلام اساس تمامی قوانین قرار گرفت. مجازاتهای اسلامی بدون شناختن هیچ مرزی در خشونت، به عنوان ضمانت اجرائی این قوانین مانند پتکی بر سر مردم فرود آمد. هرگونه مخالفتی با اصول اسلامی کفر تلقی شده و سزای از دم تیغ

سرنگون باد رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی



ادامه درگذشت نابهنگام ...

خواهرش اسرین دیده به جهان گشودند. مشکلات و مشقت زندگی مبارزاتی والدین وی باعث گردید تا این دو خواهر در سن ۷ ماهگی از هم جدا شوند و اسرین روانه ایران گردید و شب‌بو با شرایط دشوار زندگی پدر و مادرش و دیگر رفقای پیشمرگ بزرگ و بزرگترشد. شب‌بو توانست دو بار در بمباران اردوگاه‌های کومه‌له از مرگ رهایی یابد اما متأسفانه در سن ۲۱ سالگی و پس از آنکه تحصیلات دانشگاهی‌اش را با موفقیت به اتمام رساند، و قصد بازگشت و دیدار با پدر و مادرش را داشت، در این حادثه دلخراش جاننش را از دست داد. قابل ذکر است که مراسم تشییع جنازه نامبرده در قبرستان شیخ احمد هندی با حضور کمیته رهبری کومه‌له، شمار کثیری از پیشمرگان کومه‌له، احزاب و جریانات سیاسی، دوستان و آشنایان کومه‌له در سلیمانیه به انجام رسید.

ما به این مناسبت، از صمیم قلب تسلیت خود را به حضور رفقا عمر ایلخانیزاده و جمیله رحیمی و همچنین خانم اسرین ایلخانی زله و تمامی دوستان و اطرافیان شب بو اعلام داشته و خود را در غم و اندوه آنها سهیم می‌دانیم.

فعالیت تبلیغی در میروان جهت

پشتیبانی از فدرالیزم

بنا به خبری که از شهر میروان به ما رسیده است، در تاریخ دهم خرداد ماه جاری، فعالین و هواداران کومه‌له در این شهر اقدام به فعالیت تبلیغی وسیعی نموده و تراکت و اعلامیه‌های کومه‌له در رابطه با جبهه کردستانی و فدرالیزم را در شهر و روستاهای منطقه میروان توزیع کرده‌اند. نقاطی که در آنها کار تبلیغی صورت گرفته عبارتند از: روستاهای درزیان، شهرک جوجه سازی، کانی دینار، جاده گاران، سه راه حسن آوله و سه راه تازه آباد.

در داخل شهر میروان نیز در این نقاط تراکت و اعلامیه‌های کومه‌له مشاهده شده است؛ دلسوزان یک و دو، دلسوزان قدیم، کوه موسوی، محله بیمارستان، فرمانداری جدید، خیابان اداره راه، شیرنگ، محله هزاره، محله حاجی نجیم، کوه دیو، تازه آباد و بلچه سور، فلکه دارائی، فلکه معلم و محله لیلایاها.

اخبار کردستان



کشته شدن یکی از مزدوران محلی میروان

بنا به خبری که از شهر میروان به ما رسیده است، غروب روز شنبه شانزدهم خردادماه جاری یک مزدور رسوا و کادر اطلاعات، ملقب به جلال بارنامه (برنامه) توسط افرادی ناشناس به قتل رسید. جلال بارنامه (برنامه) یکی از مهره‌های اصلی رژیم فاسد آخوندی بود که در مدت ۲۵ سال حکومت وحشیانه این رژیم غیر انسانی در سرکوب و آزار و اذیت مردم کردستان نقش بسزایی داشت. همه مردم میروان از دست این جنایتکار رژیم به تنگ آمده بودند. تمام خانواده‌های پیشمرگ و حتی مردم عادی شهر و روستاهای میروان همه و همه مورد آزار و اذیت این جلاذ خودفروش قرار گرفته بودند. جلال بارنامه (برنامه)، همکار فعال و نزدیک اداره اطلاعات و فرمانده گروه ضربت میروان بود و همچون یک کادر مورد اعتماد رژیم جاسوس پرور اسلامی در شهر و روستاهای میروان مردم زحمتکش را مورد توهین، بی احترامی و آزار و اذیت قرار می‌داد. او جنایتکاری بود که از هیچ کاری شرم نداشت. طبق این خبر پس از به قتل رساندن جلال بارنامه (برنامه)، رژیم پاسدار و مزدور زیادی را به شهر میروان گسیل داشت بطوریکه پس از دفن این مزدور، کاسه لیسهای رژیم شعارهایی بر علیه کومه‌له سردادند.

بدون شک این اقدام رژیم باعث رسوایی و بدنامی و هراس هرچه بیشتر آنان و مزدوران جنایت پیشه‌اش خواهد گردید و ثابت خواهد شد که این رژیم، رژیم مزدوران و جنایتکاران و خودفروشان است و در میان مردم کردستان هیچ جایگاه و پایگاهی ندارد، به همین دلیل اگر مزدوران بر علیه کومه‌له و جنبش انقلابی کردستان شعار می‌دهند، مردم انقلابی و زحمتکش کردستان در شهرها و روستاها گل و شیرینی پخش می‌کنند و به شادی و پایکوبی می‌پردازند.

فعالیت تبلیغی در میروان به مناسبت ۳۱ خرداد

بنا به خبری که به ما رسیده است فعالین و مبارزین کومه‌له در شهر میروان برای ارج نهادن از ۳۱ خرداد ماه روز پیشمرگ کومه‌له اقدام به کار تبلیغی گسترده‌ای در سطح شهر و تعدادی از روستاهای اطراف نموده‌اند و شعارهای کومه‌له را در سطح شهر نوشته‌اند و همچنین اقدام به پخش تراکت و نوشته‌های کومه‌له در این مکانها کرده‌اند: روستای درزیان- همه محلات و مدرسه‌ها و خیابانهای شهرک کانی دینار و شهرک جوجه سازی- خیابانها و محلات درون شهر از جمله: محلات: تکیه- لیلایاها- چهار باغ- توحید- استادیوم- چراغی- سردوشیها- باوه رشید- حاجی نجیم- محمدی- تازه آباد- بلچه سور- دارسیران قدیم- محله اورامیها- هزاره- کونه دیو- اداره راه- جنگلیانی- ترخان آباد ۱، ۲، ۳ - کوره موسوی- ترمینال قدیم و جدید- محله اداره برق- بیمارستان- میانه‌ایها- فلکه نوروز- قانع- ۱۲ سواره- شیرنگ و دارایی- خیابانهای هلال احمر- وصال- چهارراه بایوه- چهارراه اصلی- چهارراه بیمارستان- چهارراه آموزش و پرورش- خیابان مردوخ. گفتنی است که از خیابان وصال تا چهارراه بایوه و از آنجا تا شیرنگ، تمام مغازه‌ها در همان شب و برای چندمین بار با عکس جانباختگان رهبر، رفقا فواد مصطفی سلطانی- دکتر جعفر شفیعی- صدیق کمانگر- محمد حسین کریمی و سعید معینی، تزئین گردیده است که هر بار نیروهای رژیم آنها را جمع کرده و فعالین کومه‌له دوباره آنها می‌چسپانند همینطور تمام مدارس- مساجد و ادارات و مکانهای عمومی شهر میروان به تراکت و عکس جانباختگان کومه‌له مزین گشته و اکثر منازل سطح شهر نیز نوشته‌ها و اعلامیه‌های کومه‌له را دریافت کرده‌اند. خسته نباشید رفقای کومه‌له در شهر میروان، شماها ثابت کرده‌اید که همواره، بار و یاور نیروی پیشمرگ کومه‌له می باشید.

فعالیت تبلیغی به مناسبت

۳۱ خرداد در سقز

بنا به خبری که از شهر سقز به ما رسیده است، مبارزین و فعالین کومه‌له به مناسبت ۳۱ خرداد روز پیشمرگ کومه‌له، اقدام به پخش گسترده تراکت و اعلامیه‌های کومه‌له در سطح شهر کرده‌اند. اسامی مناطقی که این فعالیت در آنها انجام گرفته است به قرار زیر است: برد بران- تپه مالان- اطراف دادگستری- بلوار انقلاب و محلات اطراف- کمربندی- جلو دانشگاه- پشت شهربانی- محلات اطراف چم ولی خان- سیلو- شهناز- کریم آباد- تپه شافعی- شهرک آزادگان- شهرک نیروی انتظامی- ۳۲ متری- خیابان ملک الکلام مجدی- کوچه عارف خان و قبرستان شهر و محلات اطراف آن. دست مریزاد ای ادامه دهندگان راه کاک محمد حسین کریمی رهبر.

تعرضات شهرداری سنندج به

حریم مردم این شهر

بنا به اخباری که از شهر سنندج به ما رسیده است، روز ۲۸ خرداد ماه، شهرداری سنندج اقدام به تخریب ۲۰۰ الی ۳۰۰ خانه تازه ساخت کرده است که بنا به گفته شهردار مجوز ساخت نداشته‌اند. به دنبال این عمل، مردم به مقابله با اقدام شهرداری برخاسته و به اعتراض گسترده و درگیری با نیروهای رژیم پرداختند. هرچند که نیروی انتظامی رژیم به مقابله با این اعتراضات پرداخته و برای سرکوب بیشتر یگان ویژه رژیم را از کرمانشاه به سنندج می‌آورند با این حال این اعتراضات و درگیری مردم با نیروهای سرکوبگر تا آخرین دقایق عصر همان روز ادامه داشت.

درگذشت یکی از دوستان

نزدیک کومه‌له در سنندج

با تاسف فراوان خبر مرگ نابهنگام رفیق عزیزه نویدبان شیرزن مبارز و یکی از طرفداران و فعالین دلسوز کومه‌له و جنبش انقلابی کردستان را به علت بیماری در پنجم خرداد ماه ۸۳ دریافت کردیم. ما بدین وسیله ضمن ابراز تاسف عمیق خودمان بخاطر مرگ رفیق عزیزه، فقدان وی را به بچه‌هایش و تلم اهل خانواده و دوستانش و مردم مبارز سنندج از صمیم قلب تسلیت می‌گوئیم و خود را شریک غم‌واندوه آنان می‌دانیم.



اخبار ایران



تعطیلی یک شرکت چرم سازی در همدان

با ۹۰ کارگر و اعتراض کارگران

در پی تعطیلی یک شرکت چرم سازی در همدان، ۹۰ نفر از کارگران این واحد نسبت به اخراج خود اعتراض کردند. به گزارش خبرگزاریها این "چرم سازی"، قبلاً در صنعت پوست فعال بوده و بالغ بر ۱۲۱ کارگر به طور قرار دادی در آن به کار مشغول بوده‌اند. این شرکت به علت بحران تولید در پایان ماه سال ۸۲ تعطیل شد اما اعلی‌رغم گذشت ۸ ماه از تعطیلی این شرکت و شکایت کارگران به اداره کار شهرستان "کبودر آهنگ"، این واحد هنوز فعال نشده است و کارگران آن همچنان بی‌کار هستند. برپایه این گزارش، هم اکنون، تنها ۷ کارگر به عنوان نگهبان در شرکت حضور دارند و شکایت سایر کارگران نیز کم‌کم بی نتیجه مانده است.

بی حقوق ماندن کارگران مخازن آب و فاضلاب آبادان

و خرم‌شهر

به گزارش خبرگزاریها به دلیل عدم نظارت کافی و لازم بر وضعیت کارگران مخازن آب شهرهای آبادان، خرم‌شهر و اروندکنار، کارگران مخزن آب این شهرها ۵ ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده‌اند. این در حالی است که پیمان کاری که این کارگران تحت نظری فعالیت می‌کنند، مکان ثابتی ندارد که کارگران بتوانند، از طریق مراجعه به وی مطالبات خود را دریافت کنند. این کارگران همگی دارای قراردادهای موقت هستند و هم‌اکنون برای دریافت حقوق خود در بلاتکلیفی به سر می‌برند.

افزایش سرکوب زنان به بهانه بد حجابی در

شاهین شهر

ماموران انتظامی در شاهین شهر سرکوب زنان به بهانه بد حجابی را افزایش داده‌اند. گزارش‌های منتشره بر روی رسانه‌ها در مورد شاهین شهر حاکیست که روز سه شنبه دوازدهم خردادماه در پارک کتابخانه ارشاد پلیس تن از ۱۰۰ زنان و دختران جوان را متوقف کرده و به بهانه بد حجابی به اذیت و آزار آنان می‌پردازند. ماموران انتظامی هنگامیکه با مقاومت دختران و زنان روبرو شدند آنان را تهدید به دستگیری کرده و با بیسیستم درخواست کمک می‌کردند. افزایش اقدامات سرکوبگرانه علیه زنان در شاهین شهر خشم مردم این شهر را برانگیخته است. چندی پیش نیز هنگامی که ماموران انتظامی دو زن را به بهانه بد حجابی در یکی از خیابانهای شاهین شهر مورد اذیت و آزار قرار داده بودند با مقاومت جوانان و مردم آن محل روبرو شدند و در جریان درگیری جوانان دلیر شاهین شهر تعدادی از ماموران را ضرب و شتم قرار دادند.

تجمع کارگران معترض شهرداری زاهدان

به گزارش خبرگزاریها در روزهای گذشته، گروهی از کارگران شهرداری زاهدان، ضمن اعتراض به عدم توجه مسئولین شهرداری نسبت به آنان، در مقابل خانه کارگر این شهر تجمع کردند. این کارگران، در خصوص زمین‌هایی که قرار بود، حدود ۷ سال قبل، در قالب تعاونی مسکن، به کارگران واگذار شده و در زمان پلاشده حدود ۲/۵ الی ۳ میلیون تومان از آنان اخذ شده بود، اعتراض داشتند. به گفته این کارگران، هم‌اکنون نیروی انتظامی و اشخاص حقیقی ادعای مالکیت این زمین‌ها را دارند و از ساخت و سازهای مرتبط جلوگیری شده است. این کارگران در جریان این تجمع، همچنین نسبت به عدم تطبیق سوابق کاری با سوابق بیمه‌ای خود اعتراض کردند.

گرامی باد یاد ۵۹ نفر اعدامی مهاباد

در تاریخ ۱۲ خردادماه ۶۲، رژیم جنایتکار آخوندی در حالیکه در صدد تثبیت حکومت ننگین خود به خونین‌ترین شکل ممکن بود و مخالفین سیاسی خود را بدون دادگاه و با بی‌رحمی، به جوخه‌های مرگ می‌سپرد، یکی از جنایتهای همیشه به یادماندنی خود را در کردستان رقم زد. اعدام ۵۹ نفر از جوانان مبارز کردستان در شهر مهاباد توسط پاسداران اسلامی، نشانگر اوج درنده‌خویی سران به قدرت رسیده حکومت آخوندی بود.

در آن زمان چند سال متوالی بود که جنبش انقلابی کردستان آماج حملات همه جانبه رژیم قرار گرفته و اشغال نظامی مناطق کردستان به تنهایی کام قدرتمداران مرتجع رژیم را سیراب نمی‌کرد و با ارسال جنایتکارانی همچون خلخال، دسته دسته جوانان انقلابی کردستان را تنها به جرم مخالفت سیاسی به جوخه‌های اعدام سپردند و پیکرهای خونین آنها را در لعنت آبادهای خودساخته در دورترین نقاط خلع لزشهرها به طور مخفیانه به خاک می‌سپردند. مادران زیادی را به عزای عزیزانشان نشانده و حتی آنان را از دیدن پیکرهای بی‌جان فرزندانشان محروم ساختند و سرنوشته خانواده‌های بی‌شماری را به تباهی کشاندند. سرکوبگران به این جنایتهای هم اکتفا نموده و جای جای خاک کردستان را میلیتاریزه نموده و با تمامی این اقدامات هم از خاموش کردن شعله‌های فروزان آتش مبارزه و مقاومت در کردستان عاجز و ناتوان ماندند و چیزی جز خاری و زبونی نصیبشان نگردید.

امسال در بیست و یکمین سالگرد ۵۹ نفر اعدامی مهاباد، گرامی می‌داریم یاد و خاطره این مبارزان را که با خون سرخ خود تاریخ مملو از افتخار، مبارزه و مقاومت در سنگر انقلابی کردستان را رقم زدند. سیر تازه مبارزات مردم انقلابی شهرهای کردستان، بر همگان عیان ساخت که بعد از سپری شدن تمامی این سالها، رژیم مذهبی حاکم، کماکان رژیمی است بیگانه و اشغالگر که با اعدام و شکنجه و سرکوب نتوانسته است راه به جایی بیرد و با وجود همه این جنایتهای کماکان با مردم مبارزی که در انتظار روز موعود برای سرنگونی این رژیم هستند روبرو می‌باشد.

۲۰۵ کارگر بهزیستی و تربیت بدنی ایلام اخراج شدند

۲۰۵ نفر از نیروی کار سازمان بهزیستی و اداره کل تربیت بدنی استان ایلام به دلیل تامین نشدن اعتبار این موسسات اخراج شدند. به گزارش ایلام، علی غیائی دبیر اجرایی خانه کارگر ایلام گفت: ۲۰۵ نفر از نیروهای مشاغل اداره بهزیستی و اداره کل تربیت بدنی استان ایلام با سوابق کاری بیش از ۱۰ سال اخراج شده‌اند. وی گفت: این افراد حقوق و مزایای خود را تا پایان سال ۸۲ به طور کامل دریافت کرده‌اند، اما از آنجایی که بودجه لازم برای تمدید قرارداد این افراد تامین نشده به طور قهری از کار بیکار شده‌اند. غیائی گفت: با توجه به اینکه این دو موسسه دولتی بوده و برای به کارگیری نیروی شاغل نیازمند تامین اعتبار هستند، سازمان مدیریت و برنامه ریزی اعتبار لازم را تعریف و تعیین نکرده و قرار دادهای ۲۰۵ کارگر مذکور که با واسطه شرکت پیمانکاری مشغول به کار بودند تمدید نشده است.





در هفته‌ای که گذشت هیئت اعزامی اتحادیه اروپا که برای مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی در زمینه حقوق بشر به ایران سفر کرده بود، ایران را ترک کرد. هیئت اعزامی اتحادیه اروپا در جریان این سفر، چهارمین دور گفت و گوهای دو طرف در زمینه حقوق بشر را برگزار کرد. محمد جواد لاریجانی، معاون بین الملل قوه قضائیه ایران، پس از آخرین دیدار این هیئت در تهران به خبرنگاران گفت: گروه‌های مختلف تحت عنوان حقوق بشر با مسئولیتهای مختلف به ایران می‌آیند، گروه اخیر ماموریت واریسی و کاوش چیزی را ندارد و تنها برنامه گفت و گوی بین ایران و کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا و تبادل نظر وجود دارد. رویدادهای اخیر برای بار دیگر نشان داد که مسئله حقوق بشر با حضور جمهوری اسلامی هرگز روی بهبود را نخواهد دید و تا تداوم حاکمیت این رژیم در ایران نقض خشن حقوق بشر کماکان ادامه خواهد یافت.

در هفته گذشته خبرگزاری دانشجویان ایران گزارش داد که شماری از خانواده‌های اعضای سازمان مجاهدین خلق، با تجمع در مقابل سفارت فرانسه خواستار محاکمه علنی مریم رجوی، همسر مسعود، رهبر این سازمان شدند. مریم رجوی، به همراه شماری از اعضای سازمان مجاهدین خلق، یک سال پیش در جریان حمله پلیس به دفاتر این سازمان در پاریس بازداشت شد. وی پس از مدتی از زندان آزاد شد، اما جلسه محاکمه وی هنوز برگزار نشده است. تجمع کنندگان معترض خواستار این مسئله شدند که برای ادای شهادت علیه مریم رجوی در دادگاه حضور یابند و همچنین خواستار بازگرداندن بستگان خود که هم اکنون در اردوگاه اشرف در عراق به سر می‌برند شدند.

همچنین طی هفته گذشته، ابراهیم بابادی، معاون سیاسی امنیتی استانداری تهران از اخذ

هزینه‌های تحصیلی از دانش آموزان افغانی در سال تحصیلی آینده خبر داد. به گفته ایشان با تصویب شورای آموزش و پرورش استان تهران در مقطع ابتدایی

از جرائم، آزادیها و ... است. در هفته‌ای که گذشت ناصر مکارم شیرازی، از مراجع تقلید در قم ادعای فردی را که در عراق مدعی نیابت از امام دوازدهم



۱۰۵ هزار تومان در سال تحصیلی ۸۲-۸۳ هنگام ثبت نام اخذ خواهد گردید. بابادی اضافه نمود که در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ هزار دانش آموز افغانی در مدارس استان پذیرفته شدند، ولی با توجه به آخرین فرصت برای بازگشت افغانستانی‌ها به کشورشان در سال جاری، اخذ هزینه‌های تحصیلی از دانش آموزانی که قصد ماندن دارند، الزامی است.

در هفته گذشته و درحالی که مسئله سانسور و خفقان آزادیهای سیاسی مطبوعاتی از اتهامهای رژیم در سالهای اخیر بوده است، محمود هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضائیه در این رابطه ابراز داشت که دستگاه قضائی در سالهای گذشته بسیر شجاعانه و با حکمت، درایت و استدلال حقوقی با تهاجمات صورت گرفته در قالب مطبوعات، سایتهای اینترنتی و فعالیتهای دیگر که عمدتاً از خارج هدایت می‌شد، مقابله کرد.

وی در جلسه رئیس‌ان کل دادگستری سراسر کشور، مهمترین و اساسی‌ترین اقدامهای قضائی در سالهای اخیر را برخورد مناسب و قاطع با بحرانها، دشمنی‌ها و تهاجمات دشمنان خارجی و عوامل داخلی آن دانست. استدلالهایی که شاهرودی از آن یاد کرده است به طور قطع مغایر با موازین حقوقی و پرنسیپهای جهانی در رابطه با شهروندان و حقوق آنهاست و استدلالهای رژیم و سیستم قضائی آن مبنی بر مجموعه فاکتورهای مذهبی و تعابیر دینی

هستند که یا اعتدال روحی کافی ندارند و یا افرادی هستند که قصد سو استفاده از احساسات مذهبی مردم دارند. تکذیب وجود چنین اشکال مختلفی از دین در شرایطی از سوی آقایانی مانند مکارم شیرازی به انجام می‌رسد که هیچ منفعتی برای خودشان در بر نداشته باشد اما آنجا که پای مصالح حکومت در میان است، امام زمانی کردن قضایا بهترین حربه رژیم محسوب می‌گردد.

در هفته گذشته و پس از شایعات مختلف در خصوص انتقال پایتخت از تهران به نقطه‌ای دیگر، محمود احمدی نژاد، شهردار تهران گفت که انتقال پایتخت به نقطه دیگری از کشور عملی نیست و بعید است مجموعه تلاشها به اجرای طرح انتقال پایتخت منجر شود. وی افزود که اجرای این طرح تاثیر چندانی در لرزه خیزی تهران یا کاهش تبعات ناشی از زلزله در این شهر ندارد. در پی افزایش هراس از وقوع زلزله‌های بزرگ در تهران، بحثها در باره ضرورت تغییر پایتخت بالا گرفته است، اما شهردار تهران گفت به جای بررسی انتقال پایتخت، باید ساختمانها را در برابر زلزله مقاوم

کرد و آموزش‌های لازم در مورد نحوه عمل در هنگام حادثه را به مردم داد. با این حال، وی اظهار داشت برخی از مراکز حکومتی و سازمانهای اداری غیر قابل انتقال را می‌توان در شهرکی اداری در خارج از تهران اسکان داد و خطوط ویژه‌ای جهت رفت و آمد آنها ایجاد کرد.

و سرانجام اینکه در هفته گذشته پس از مرگ شمار زیادی در شیراز بر اثر مصرف مشروبات الکلی مسموم، حسین علی امیری، رئیس کل دادگستری استان فارس در گفتگو با خبرگزاریها اعلام کرد متهمان اصلی حادثه مرگ ۲۲ تن در شیراز به علت مصرف مشروبات الکلی، متواری هستند. وی در ادامه ابراز داشت اقدامات قضائی و انتظامی در این رابطه در حال انجام است و تاکنون تعداد بازداشت شدگان مظنون در این خصوص به ۲۰ نفر رسیده که اتهام آنها توزیع و خرید و فروش مشروبات الکلی مسموم بوده است، اما تحقیقات برای شناسایی عوامل اصلی همچنان ادامه دارد. امیری افزود که نوع مسمومیت قربانیان این حادثه نشان می‌دهد که تاکنون در کشور، سابقه این نوع مسمومیت مطلقاً وجود نداشته است و طبق گفته ۲ نفر از استادان دانشگاه شیراز، در تاریخ پزشکی ایران نیز هیچگاه چنین مسمومیتی سابقه نداشته است. قابل ذکر است که نظیر چنین مسئله‌ای مدتی پیش در سنندج روی داد که منجر به مرگ تعدادی گردیده و مشخص شد که این مسئله با توطئه اداره اطلاعات سپاه پاسداران به انجام رسیده است. حادثه مرگ بیست نفر در اثر مشروبات الکلی مسموم نشان از آن است که محدود کردن آزادیهای فردی و اجتماعی موجب گرایش مردم به سوی مشروبات ناسالم می‌گردد و عامل تمامی این حوادث خود رژیم اسلامی است.





حداد عادل و مجلس هفتم

وریا محمدی

هفتمین مجلس اسلامی در میان گرد و خاکهای جناحی کار خود را آغاز کرد و در اولین اقلم خود نخست با برگزیدن هیات رئیسه موقت و سپس دائم تمامی احتمالات موجود را واقعیت بخشید تا شیوه جدیدی از تاریخ سیاسی ایران در حیطه ی پارلمان اسلامی نواخته شود. مجلس جدید با برگزیدن غلامعلی حداد عادل در اولین جلسات خود بعنوان رئیس موقت و سپس دائم این مجلس که با اکثریت قابل توجه آرا حاضران توله بود ترکیب و منتخان خویش را در ویتترین های که علامت "دخالت ممنوع" را بر خود دارد در معرض دید عموم نهاد. انتخاب حداد عادل در شرایطی که موافقین و مخالفین این پارلمان تقریباً در اصل به تفاهم رسیده بودند که وی طبیعتاً و با توجه به مهره چینی های از پیش محاسبه شده رژیم می بایست بر کرسی ریاست مجلس هفتم تکیه زند، برای عموم و خصوصاً سیاست پیشه گان غیره منتظره نبود و تصویری صحیح و تحریف نشده از ماهیت غیر دموکراتیک مجالس اسلامی در ایران بود، مجالسی که جایگاه واقعی آن به مثابه یک نهاد انتصابی و جزیی از کل سیستم ولایت فقیه تثبیت گردیده است.

شمار آرائی که چه هنگام برگزیدن هیئت رئیسه موقت و چه هنگام انتخاب دائم این هیئت به شماره حساب حداد عادل واریز شد، فراتر از دویست رأی در هر دور بود. بدون تردید در این شکی نیست که تمامی "آری" گویان به حلال عادل متحد فکری، نظری و سیاسی وی نباشند، اما آنچه که بر اختلافات موجود میان ترکیب وسیعی از به اصطلاح نمایندگان مجلس چربیده است الحاق

دیدگاههای آنان در چند نقطه مشخص است. دورنمایی که این جنابان برای خود قرار داده و برایش نقشه کشیده اند موجب شده تا به رغم تنشهای جدی در میان گروههای سیاسی شان، متحدالقول به سوی خفقان سازی بیشتر در ایران گام برزنند و پشت هم یک صف شوند. حداد عادل که از وی به عنوان اولین رئیس مجلس غیر معمم یاد می شود اگر شیداتر، متحجرتتر و متفترتر از مابقی روسای مجالس گذشته نباشد از آنان کمتر نیست و معتقد بوده و هست که شیوه حفظ رژیم سیاسی ایران اگر سیاست جامعه بسته نباشد چیز دیگری نیست. گذشته از بحث انتخاب رئیس جدید و سیاست پشت صحنه این انتخاب، آنچه که جلب توجه کرده است نخستین اتخاذ موضع حداد عادل در دیپلماسی خارجی بود. وی در سخنانی پس از انتخاب حضور آمریکا در منطقه و اشغال عراق را محکوم کرد و گفت ملت ایران کسانی را که به عتبات عالیات بی احترامی کرده اند نخواهد بخشید. این موضع نشان داد که حداد عادل با تمام توان خواهد کوشید تا در شرایط فعلی که عراق در نابسامانی مطلق است و آمریکا نیز با عمل انجمن شده ای که تصورش را نمی کرد دست و پنجه نرم میکند با پشتیبانی از سیاست افزایش اثرگذاری جمهوری اسلامی در عراق " پا به عرصه سیاسی گذارد. انتخاب حداد عادل در همان حال که مهر تاییدی بر چیرگی اقتدار گرایان

حکومتی بر ارکان به نام انتخابی پارلمان اسلامی در ایران بود و نیروی محرکه ای جهت افزایش قدرت مانور آنها، به همان اندازه در افزایش وسط شکاف میان حاکمیت و مردم موثر خواهد افتاد. از سوی دیگر آنچه را که اصلاح طلبان دینی در نهایت به عنوان سرانجام این شکاف، تحت عنوان بازگشت دوباره توده های مردم به سوی رفرمیستها در ایران بوسیله مقالات و نوشتارهای خود توضیح داده اند، چیزی جز خوش خیالی سیاسی نیست چرا که فضای حاضر بیش از آنکه خبر از احتمال جذب مجدد مردم به سوی اصلاح طلبان دینی داشته باشد، خبر از گسست کلی و بی بازگشت آنها دارد. در رابطه با شرایطی که حداد عادل در آن مجلس هفتم را ریاست خواهد کرد، باید گفت که ایران اسلامی به رهبری او و دیگر همپالگهایش با بحرانهای جدی چه در عرصه های داخلی و چه در عرصه های خارجی روبرو است و هرگونه سیاست گذاری در این شرایط سیاست پرژان را در مقابل چالشهای عمیقتر از پیش قرار خواهد داد چرا که امواج تهدیدهای بین المللی علیه جمهوری اسلامی در حال افزایش است و این تهدیدها به طور عمده ای حول محور میلیتاریزم هسته ای، تروریسم دولتی، ایجلا بجزان در روند صلح خاورمیانه و حقوق بشر قرار دارند. تداوم فضای پرتنش و ریاکارانه در روابط خارجی هم اینک که حاکمیت یکدست

شده است علاوه بر آنکه در تضعیف و نیل به فروپاشی رژیم سیاسی ایران اثر گذر خواهد بود، به جهت خرج کردن از ثروتهای مالی و معنوی ایران و مایه گناشتن از آنها، خسارات جبران ناپذیر و هزینه های گرانی را متوجه جامعه ایرانی خواهد کرد. انتخاب حداد عادل بر بی مشروعیتی جمهوری اسلامی و ضعف و ناکارآمدی سیستم سیاسی این رژیم دوچندان صحنه نهاد. میتوان با قطعیت گفت که ضعف و کاهش مشروعیت یک نظام سیاسی، گذشته از آنکه در فروکاستن اقتدارگرانی و دیکتاتوری به دلیل آنکه در چنین وضعیتی به کاربردن قدرت برای سرکوب زسوی مردم به سخره گرفته می شود و از دست پلیس و نیروهای شبه نظامی مزدور نیز کاری برنخواهد آمد موثر می افتد، در همان حال به قدرتهای طمع پیشه خرجی میدان خواهد داد که حاکمان تھی از مشروعیت و اقتدار را به هر نحو ممکن اعم از زور یا ترفند در سیطره خود نهند که در نتیجه بازهم آثار زاینار این سیاست به کمر خمینه جامعه ایرانی باز خواهد گشت و موجب فرسایش آن می گردد.

هفتمین مجلس اسلامی به ریاست حداد عادل نقطه عطفی در تاریخ سیاسی ایران خواهد بود زیرا هراس از ماهها و سالهای در پیش رو چنان واهمه های را در دل دیکتاتورهای اسلامی انداخته است که بالاچار می باید به هر خفتی تن دهد تا بدین ترتیب چند صباحی بر عمر دستگاه

خفقان و دیکتاتوری موجود بیفزایند. از این رو در یک رویکرد واقع بینانه به فضای بسته ای که ترکیب تازه مجلس با همکاری دیگر باندهای مافیایی رژیم تترک آنرا دیده است با برخورد درست به آن و ارزیابی صحیح در کاهش عرض این آینده سیاه موثر خواهد افتاد. مقاومت و مبارزه فعال در برابر تمامی دستگاہها و ارگانهای ضد مردمی جمهوری اسلامی را باید با بی برنامگی و انفعال از هم جدا کرد و گسترش و تعمیق گفتمان مبارزه علیه جمهوری اسلامی را در وضعیتی که فاصله حاکمیت و مردم به اوج خود رسیده است و براندازی این رژیم به یک خواست عمومی تبدیل گردیده به یک اصل اساسی بدل کرد. تجربه سرکوب بیست و پنج ساله، محصولی به نام جنبش مردمی را در برابر رژیم قزلب ده است و در پی این سرکوب گسترده مخالفان، آنها نه تنها محو و نابود نشده اند بلکه به صورت یک جریان سرنگونی خواه در برابر جمهوری اسلامی صف کشیده اند.

مجلس هفتم نیز که به رهبری عناصر اقتدارگرای جمهوری اسلامی می رود تا با گستراندن بساط سرکوب و اختناق فصل دوباره ای در جنایت و توحش به منظور مرعوب ساختن مخالفین و صداهای غیر خودی بگشاید بیگمان به رغم اعمال چنین حرکاتی قادر به متلاشی کردن جنبشهای اعتراضی ضد حکومتی نیست و اپوزیسیون جمهوری اسلامی چه در داخل و چه در خارج ایران گذشته از نقد برخی اشکالات اساسی که مانع از ایجاد یک اتحاد و همبستگی منظم میان آنها شد باید به پیمودن آگاهانه تر و تاثیرگذارتر جاده سرنگونی جمهوری اسلامی اقدام نماید.

پیش به سوی تشکیل یک جبهه متحد کردستانی



حادثه زمین لرزه چند روزه گذشته در چندین استان ایران، بویژه استان مازندران، از مهمترین اخبار غیر سیاسی داخل ایران بود که توجه بسیاری از مطبوعات داخل و حتی خارج را نیز به خود جلب کرد. چرا که هنوز زخم زمین لرزه بمالتیم نیافته است و بخشهای زیادی از

زلزله

دستگاه قضایی، ایران را تکان داد

ایران چند ماهیست به کانون زمین لرزه های متعدد خفیف و بزرگ تبدیل شده است. اتفاقات حاشیه ای این حوادث طبیعی در جلب نظر مطبوعات بی تاثیر نبوده است و هر بار دولت و نهادهای مختلف خدمت گذاری به عجز و ناتوانی در امداد رسانی حادثه دیده گان متهم می گردند. در زمین لرزه هفته گذشته، شماری از مردم کشته و مجروح و شمار زیادی نیز بی خانمان گشته و در بلا تکلیفی بسر می برند. طبق آخرین اخبار، فقط در استان مازندران بیش از سی نفر بر اثر زمین لرزه یاد شده کشته و جمع زیادی نیز مجروح گردیدند. اما خبرگزاریها خبر از ویرانی صدر صد چند روستا در مناطق مختلف استان مازندران میدهند که آملر قربانیان این بخش هنوز روشن نیست و احتمال اینکه شمار قربانیان به رقم چهل صد برسد، شدت می گیرد. دستگاه های خدمت گذاری رژیم، همچون تمام زمین لرزه های گذشته در ایران که به وقوع پیوسته اند، مجدداً از لایه امداد رسانی به موقع و شایسته سرباز زده و حادثه دیده گان زمین لرزه بازم با انبوهی از مشکلات دست به گریبانند. همین امر اعتراضات وسیع مردمی را در استان مازندران بلع شده و تجمع های اعتراضی در بسیاری از شهرهای استان مازندران در چند روز گذشته به انجام رسیده است. معترضین حادثه دیده، بی لیاقتی مسئولان و دستگاه های خدمت گذاری را نشانه رفته و نسبت به تقسیم ناعادلانه لوازم مورد نیاز ابراز انزجار کرده و با حضور خود در مقابل استانداری و فرمانداریها خواستار اقدام سریع

دولت در اینباره شدند. نیروهای سرکوبگر رژیم بر طبق سنت مردم ستیزی خود به مردم حادثه دیده حمله ور گشته و زد و خوردهایی در میان ساکنان مناطق زلزله زده و نیروهای رژیم به وقوع پیوسته است. در خلال این درگیریها شعارهایی بر علیه جمهوری اسلامی و

فرامرز سجیم

خشک گردید و به بحثی جنجالی میان مجلس و شورای نگهبان تبدیل شد و دو نهاد فوق افکار عمومی داخل و خارج را به بازی گرفته و سرانجام طرح ممنوعیت شکنجه پس از اتفاقات زندان ابوغریب عراق به تصویب شورای نگهبان نیر رسید. در سوپی دیگر شاهد تصویب فبیج ترین احکام ضد انسانی در بیدادگاه های رژیم هستیم که طلب دار را بر گردن کسانی می نهد که به بی لیاقتی مسئولان و عدم امداد رسانی اعتراض کرده و یا اعضای از بدن آنها را جدا می سازد.

رژیم جمهوری اسلامی تا چه اندازه در ارائه خدمات و امداد رسانی به مردم در چنین مواقعی، بی لیاقت و بی کفایت می باشد، به همان اندازه نیز در آدم کشی و جرم و جنایت پیشگی پیشقدم و پیش قراول می باشد. متهم کردن افراد به مفسد فی الارض، عملی تثبیت شده در احکام قضایی رژیم است که در هر زمان و مکانی برای خاموش کردن هرنزای آزادیخواهی به آن اتکا کرده و در طول حاکمیت جمهوری اسلامی ابزاری قانونی در دست قانون ستیزان مرتجع و مجریان افکار پوسیده رژیم بوده است. افشای نوطنه، سرکوبگری، جنایت و مردم

مسئولان رده بالای حکومتی از جانب مردم سرداده شد. دستگاه قضایی مرتجع رژیم که در چنین واقعی همیشه در میدان حاضر بوه و هست، دستور داده سازمان دهندگان اعتراضات اخیر را دستگیر و زندانی کرده و به پای میز محاکمه بکشانند.

جلسات محاکمه دستگیر شدگان بی درنگ برگزار شد و اتهام مفسد فی الارض به آنها نسبت داده شد، پنج نفر از آنها به علم، دو نفر به قطع دست یا پا و ۹۰ نفر دیگر به جرمه، شلاق، تبعید و حبسهای کوتاه یا بلند مدت محکوم گردیدند. احکام وحشیانه فوق، امداد رسانی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به حادثه دیده گان بود که نهادهای خدمت گذاری در اجرای دقیق آن سرباز زدند و بی دادگاه های رژیم زحمت آن را تقبل کردند.

اگر زمین لرزه ۵/۵ ریشتری چند روز گذشته، استان مازندران را به لرزه درآورد، زلزله دستگاه سرکوبگر قضایی که در کمتر از چند ساعت چندین نفر را از حق زیستن محروم کرده و تعدادی دیگر را به احکامی قرون وسطایی محکوم کرد سراسر ایران را به لرزه درآورد.

ستیزیهای رژیم و دفاع از محکوم شده های استان مازندران، وظیفه ای انسانی است که همگان باید در اجرای آن بکوشند. هر فردی به نوبت خود و در حد و توان خود موظف است این رژیم نامشروع را در افکار عمومی افشا کرده و رسوا نماید. دست و بال جمهوری اسلامی نباید این چنین باز باشد که اعتراضات حق خواهانه مردم را به خاک و خون بکشد.

رژیمی که به جای ارسال بولتر و امکانات مالی به هنگام چنین حوادثی، طناب دار و شلاق را به مردم هدیه می دهد و مردم حادثه دیده را اسف بارتر می سازد هیچگاه پایگاه توده ایی در میان مردم نداشته باید رخت خود را ببندد و میدان را برای حکومتی مردمی و دمکراتیک خالی کند. اما چنین آرمانی تنها با مبارزات متحدانه مردمی امکان پذیر است. افشای سیمای حقیقی رژیم اینچنینی در افکار و انظار عمومی بخشی از این مبارزه است. حادثه دیده گان مازندران نیاز شدید به امداد رسانی دارند نه طناب دار و جلا. حادثه دیده گان مازندران مفسد فی الارض نیستند، اما در بند مفسد فی الارض گرفتار شده اند.

تظاهرات بر ضد راسیسم دولتی و اخراج پناهجویان کرد

ایرانی در نروژ

یکی از اعضای کمیته مرکزی کومه له در نروژ در مورد وضعیت پناهندگان در نروژ و همینطور رفقای کومه له اعلام به پخش چند اطلاعیه عمومی کومه له در مورد اتفاقات اخیر کردستان ایران در میان شرکت کنندگان کردند. در پایان سخنگویان تظاهرات، قطعنامه پایانی شرکت کنندگان را به وزیر کموننا خانراونک سولبرگ تقدیم کردند. قابل ذکر است که نامبرده مسئول مستقیم سخت گیریهای اخیر نسبت به قبول پناهجویان در نروژ می باشد. این تظاهرات یک ساعت ادامه داشته و بدون هیچ مشکلی پایان یافت.

کومه له - سازمان انقلابی رجمتکشان کردستان ایران

کمیته تشکیلات نروژ

پانزدهم ژوئن ۲۰۰۴ میلادی

در ساعت ۳ بعد از ظهر روز پانزدهم ماه ژوئن ۲۰۰۴ میلادی، تظاهرات با شکوهی از طرف سازمان دفاع از حقوق پناهجویان ایرانی، جمعیت و تشکلهای نروژی بلیترو همینطور با شرکت و پشتیبانی جمعیتی فراوان از مردم نروژ و پناهجویان کرد و ایرانی در مقابل وزارت کمون های نروژ انجام گرفت. این تظاهرات که از طرف نیروی پلیس نروژ به شدت محاصره شده بود، با سر دادن شعار بر ضد سیاست اخراج کردن پناهجویان کرد و ایرانی آغاز گشت و به دنبال آن چند گفتار سیاسی از سوی تشکلاتی که تظاهرات را سازمان داده بودند به حاضرین در تظاهرات تقدیم گشت. همینطور گفتگوهای از طرف شبکه های ماهواره ای tv2, tvnorge با نمایندگان تظاهرات کنندگان از جمله

زنده باد سوسیالیسم